

روزنه

منیر تهجدی (لیدا)



ادبیات شعر

سرشناسه : تهجدی منیر (لیدا)، ۱۳۳۹-

عنوان و نام پدیدآور : روزنه / منیر تهجدی (لیدا)؛ ویراستار ابوالفضل خداپرست.

مشخصات نشر : تهران: پیوسته، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری : ۲۰۸ ص.

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۷۰۹۱-۳۸۰۲

وضعیت فهرست‌نویسی: فیفا

موضوع : شعر فارسی -- قرن

Persian Poetry -- 20th century: موضوع

PIR ۸۳۳۷ : رده‌بندی کنگره

۸۶۱/۶۲ : رده‌بندی دیویی

۸۴۵۰۴۱۳ : شماره کتاب‌شناسی





انتشارات پیوسته

تلفن: ۰۹۱۲-۳۲۳۵۵۲۵

نام کتاب: روزنه

نویسنده: منیر تهجدی (لیدا)

حروف چین و صفحه‌آرا: ابوالفضل خداپرست

چاپ و صحافی: سپیدان تهران

قیمت: ۴۲۰۰۰ تومان

تراژ: ۱۰۰۰

چاپ اول: ۱۴۰۰

ویراستار: ابوالفضل خداپرست

طرح جلد و اجرای رایانه: محسن رفایی

ناشر: انتشارات پیوسته

ISBN: 978-964-7091-38-1

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۰۹۱-۳۸-۱

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

Email: PayvastePublicatoins539153@yahoo.com

Email: PayvastePublicatoins@gmail.com

سروده‌ها

۳۶	کرونا	۱۱	پیشگفتار
۳۷	زلزله	۱۲	التماس
۳۸	دلچک	۱۴	خیس
۳۹	اجبار	۱۵	نفرین
۴۰	رضایت از تقدیر	۱۶	وابسته
۴۱	ایران	۱۷	وصال
۴۲	رود	۱۸	لغزش
۴۳	صفورا	۱۹	قلیان عشق
۴۴	شیدا	۲۰	عصیان
۴۵	تأسف	۲۱	طعنه
۴۶	شبنم	۲۲	سازندگی
۴۷	شکر	۲۳	نقطه ضعف
۴۸	برماندگی	۲۴	یقین
۴۹	دو کبریا	۲۵	ناباوری
۵۰	دلتنگی	۲۶	مزمّن
۵۱	رنج از بی‌اعتنائی	۲۷	دل‌بسته
۵۲	تلافی	۲۸	جای خالیات
۵۳	درمان روح	۲۹	مرگ پدر
۵۴	درخت	۳۰	حسرت
۵۵	استقامت	۳۱	صامت
۵۶	اردیبهشت	۳۲	انتظار
۵۷	کلنجار با دل	۳۳	حکمت
۵۸	گله	۳۴	سرخورده
۵۹	رنگ مو	۳۵	بازداشتن

سروده‌ها

۸۴	یاد	۶۰	هشیار
۸۵	بازیافته	۶۱	عشق خام
۸۶	زهرا	۶۲	نیمه
۸۷	نُت	۶۳	رقیب
۸۸	گریه	۶۴	محدودیت
۸۹	عادت به دوری	۶۵	بلایا
۹۰	هوس	۶۶	عمق نگاه
۹۱	دل کندن	۶۷	شمع
۹۲	حیف	۶۸	زن
۹۳	سوژ تار	۶۹	توقع
۹۴	مزاحم	۷۰	انجماد عشق
۹۵	نیایش		آینه
۹۷	عید	۷۱	همزادپنداری
۹۸	اعتقاد	۷۲	برف بازی
۹۹	تماشاگر	۷۴	موجودیت
۱۰۰	رخوت	۷۵	احتیاج
۱۰۱	دلزده	۷۶	آواره
۱۰۲	جوانی	۷۷	تپش
۱۰۳	ضجّه	۷۸	بیگانگی
۱۰۴	فدایی	۷۹	تصوّر
۱۰۵	منت کشی	۸۰	رام
۱۰۶	امتناع	۸۱	پشیمان
۱۰۷	انکار	۸۲	قهر
۱۰۸	شرم	۸۳	مرور

پیشگفتار

سلام... من منیر تهجدی متولد اول اردیبهشت ۱۳۳۹. در خاظم هست که همیشه مرا لیدا صدا می‌کردند و با این نام انس گرفته بودم. خاطره‌ای از اولین روز مدرسه در کلاس اول وقتی معلم اسامی دانش‌آموزان را از روی دفتر حضور و غیاب برای آشنایی با ما می‌خواند، به همه یادآوری کرد، اگر نام کسی را نخواندم دست بلند کند تا او را باخبر سازیم. بعد از خواندن تمام اسامی من دست بلند کردم و گفتم ببخشید خانم معلم... اسم مرا نخواندید. معلم با کمی تعجب یادآوری کرد، مگر شما منیر تهجدی نیستی؟ در آن لحظه بغض گلویم را گرفت، چون هنوز نام منیر برایم فقط یک اسم رسمی در کتابخانه‌ام بود، البته آن را دوست داشتم، اما با نام لیدا مانوس‌تر بودم، اما مجبور بودم همان نام منیر در مدرسه بیشتر کنار بیایم. دوران دبستان را به خوبی گذراندم و پاپایان راهنمایی گذاشتم. در آن خوب به یاد دارم که صدای خوبی داشتم و این خود نعمت بزرگی بود که خداوند به من عطا کرده به همین خاطر همیشه عادت به آواز خواندن نیز داشتم و برای خودم با آواز اشعار زیادی را زمزمه و حفظ می‌کردم. از کلمات آهنگین و مشابه به خوبی استفاده می‌کردم، گاهی هم بخاطر علاقه زیادی که به مادرم داشتم، آوازهای آهنگینی برایش می‌خواندم و آن‌ها را برای خودم در جایی یادداشت می‌کردم و این شروع کار من برای نوشتن اشعار بود. از قضا در دوران بلوغ و نوجوانی با شعله‌ور شدن عشقی در وجودم بیشتر به نوشتن

شعار تشویق شده، کلامی سرود بودم که یک بار وقتی برای دبیر ادبیات شعرهایی را خواندم، آن معلم اصلاً شعاری مرا جدی نگرفت. حتی تو دو قسم زد. من هم تصمیم گرفته که بهتر بنویسم و شعرهای بیشتری را جمع‌آوری کنم. این لحاظه غیر منتظره معلم ادبیات خیلی هم بریم خوب به نظر می‌دهد، اما باعث شد تا من اشعار و نوشته‌هایم را جدی‌تر بگیرم که تا به امروز که اشعار بیشتری را سروده‌ام و یادداشت کرده‌ام. معرفی آقای خدیو مستول «انتشارات پیوسته» توسط یکی از دوستان باعث شد تا با کمک ایشان بتوانم تعدادی از سروده‌های خود را هر چند که در جمع‌آوری کرده و به صورت کتابی با نام «روزنه» به چاپ برسانم که در حال حاضر در دسترس شما عزیزان قرار بگیرد تا کاری هر چند کوچک در پیشبرد شعر انجام گرفته باشد. در پایان از مدیر انتشارات پیوسته صمیمانه تشکر می‌نمایم که در چاپ این کتاب پنده را یاری رساندند، باشند برای کارها و خدمات بیشتر در راه ادبیات شعر فارسی در پنده...

در پناه خداوند باشید

منیر تهجدی (لیدا)